ادامه از صفحه اول

خاموشی «اکثریت خاموش» چرا؟!

...امـا آنچه عامل اصلـی همراهی جامعه با این افراد بود، در درجه اول، قدرت، قوت، صحت و ضرورت گفتمان‌های طرح‌شده در هریک از آن دوره‌های تاریخی در فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بوده است.

امـروز اما با شـرایط خـاص و بی‌بدیلی در سـال‌های پس از انقـلاب مواجهیـم. چنان که جریان‌هـای تحول‌خـواه و اصلاح‌طلـب درون سـاختار قدرت نتوانسـتند گفتـار و گفتمانی را متناسـب با ابرچالش‌های اقتصـادی گریبان‌گیر جامعه (نرخ تورم و بی‌کاری بالا و رشد اقتصادی و سـرمایه‌گذاری پایین و گسـترش فقر و نابودی محیـط زیسـت و...) طـرح و متناسـب بـا آن، چارچوب‌هـا و راهکارهایی را بـرای همراه‌کردن اکثریـت خامـوش و حتی بدنـه اصلاح‌طلب و تحول‌خواه درون حاکمیت بسـیج کنند. آنچنان که حتی نهاد اجماع‌سـاز که تمامی جریان‌های تحول‌خواه درون حاکمیـت را نمایندگی می‌کرد نیز از ارائه یک برنامه اقتصادی-سیاسی به‌عنوان مانیفسـتی که بتوان جامعه را حول آن تا حدی سـازمان داد و بسـیج کرد و ملاک و سنجشی نیز بـرای تمییز کاندیداهای این جریان باشـد، ناتوان مانـد و این کاندیداهای ریاسـت‌جمهوری بودند که بعضـا برنامه یا شـعاری را مطرح می‌کردند و نهاد اجماع‌سـاز را به دنبال خود می‌کشـیدند؛ از رادیکال‌تریـن تـا محافظه‌کارانه‌ترین برنامه‌ها و شـعارها. با رد صلاحیت تمامـی کاندیداهای معرفی‌شـده نهـاد اجماع‌سـاز، اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهـان اکنـون در وضعیتـی ویـژه قرار گرفته‌انـد؛ از یک سـو امکان معرفـی کاندیدای معقـول را به مردم ندارند و از سـوی دیگر حتی اگر بخواهنـد چنین کنند که گروه و افرادی چنین کرده‌اند، گفتـار و گفتمانی بـرای ترغیب، تهییج و متشـکل‌کردن آن اکثریـت خامـوش و قشـر خاکسـتری در حول آن کاندیدا در اختیار ندارند. در شـرایطی کـه در سـخت‌ترین و دشـوارترین گردنه‌هـای تاریخی قرار داریم و با ابرچالش‌های اقتصادی و اجتماعی بسـیاری دست به گریبانیم، خرده‌گفتارهایـی از سـوی دو کاندیدایی که خود را تحول‌خـواه و اصلاح‌طلـب می‌دانند، مطرح می‌شـود که به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند راه‌حلی برای ایـن وضعیت حاد و پاسـخ‌دهنده بـه مطالبات و خواسـت‌های وسـیع و عمیق جامعـه ایران و اکثریـت خامـوش در حوزه‌هـای مختلـف و به‌خصوص حوزه اقتصاد باشـد. امروز به صرف مخالفت و افشـاگری دربـاره کاندیداهای جریان رقیب اصولگرا، نمی‌توان جامعه را با خود همراه و همگام کرد که مثـل گنجانیدن یک حوض آب درون یک بطری اسـت. اصولگرایان صرف‌نظر از بهره‌بـرداری از امتیازهای خـاص و ویژه، تاکنون توانسته‌اند گفتاری را طراحی و نیروهای سیاسی درون ایـن جریـان را حـول پایـان‌دادن به این وضعیت و دولت حاضر و نابودی فساد با تسخیر قدرت اجرائی کشـور، متحد و یکپارچه و جامعه طرفـداران خـود را اقنـاع و ترغیب بـه حضور در انتخابـات کننـد. اما این گفتار نیز به واسـطه سلبی‌بودن و نداشتن پاسخ علمی و منطقی برای بسـیاری از چالش‌ها و ابرچالش‌های گریبان‌گیر، بعید اسـت به سـرانجام برسـد و با بدترشـدن مؤلفه‌هـای اقتصادی، وضعیتی اسـتثنائی را در عمر دولت‌هـای پس از انقلاب شـاهد خواهیم بود؛ مگـر آنکه این جریـان اصولگـرا نیز تغییر رویه دهد و قرارگرفتن در مسـند قـدرت، آنان را نیز با واقعیت‌ها، خواسـت‌ها و مطالبات جامعه ایران آشـنا کند و آشـتی دهد و در جهت تحقق این خواسـت‌ها که چیزی جز پیشرفت و توسعه این سـرزمین در پرتو ارتقـای آزادی‌های فردی و اجتماعی و حقـوق شـهروندی و بهبود فضای کسب‌وکار و تعامل و تنش‌زدایی با جهان نیست، هم‌راستا کند.

به بهانه درگذشت سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور

سفیر استراتژیک

نصرالله تاجیک
دیپلمات و سفیر پیشین در اردن

در دی‌ماه ۵۷ در اوج مبارزات انقلابی مردم ایران از زندان آزاد شـدم و با هدف راه‌انـدازی یک پروژه سـاختمانی متعلق به آیت‌الله صدوقی که سـاواک آن را در سـال ۵۴ متوقف کرده بـود، به قم رفتم تا اینکه با پیروزی انقلاب و برگشـتن حضرت امام(ره) به ایران و تشکیل نهادهای انقلابی، در روند تأسیس بنیاد مسـکن انقلاب اسلامی با اعضای دفتر امام در قم که بعضا از دوسـتان دوران زندان بودند، بیشـتر آشـنا شـدم و در میان آنها با آقای محتشمی‌پور به دلیل ویژگی‌های شـخصی، سیاسـی و تفکراتی که داشت، آشـنایی بیشـتری ایجاد شـد و دوستی‌ای شـکل گرفت کـه در مقاطع مختلف این دوسـتی تقویت شـد و تاکنون هم ادامه داشـت. ولی چیزی کـه واقعا من را در میان اعضای دفتر جذب ایشـان کرد، صفات ایشـان بود؛ صادق، صریح، وطن‌پرست، شجاع، امین، پاکدست، حامی مظلوم و ساده‌زیست. من، چـه در دورانی که در وزارت امور خارجه با هم همکار بودیم، چه زمانی که ایشـان دمشق بود و من در تهران با هم فعالیت‌های مشـترک داشتیم و چه بعدها که ایشان به کابینه آقای مهندس موسوی آمد و وزیر کشـور شد و از من دعوت کرد به وزارت کشور بروم و در کسوت استانداری با ایشان همکاری کنم و بعدها در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی در داخل کشور یا حتی در مجامع بین‌المللی یا کنفرانس‌هایی که در زمینه فلسـطین و دنیای عرب برگزار می‌شـد و همکاری نزدیکی داشـتیم، همواره این ویژگی‌ها را در ایشـان می‌دیدم. گذشته از این مقدمه و ارتباط در سـطح فردی، برای تبیین نقش آقای محتشـمی‌پور در سیاست خارجی کشور در ابتدای پیروزی انقلاب، اگر موضوع را در چارچوبی از تجزیه‌وتحلیل در سـه سطح ملی، بین‌المللی و منطقه‌ای قرار ندهیم و آن شرایط را در این ابعاد سه‌گانه بعد از پیروزی انقلاب، چه دو، سه سال پایانی دهه ۵۰ و چه دهه ۶۰ خوب تصویر نکنیم، شـاید نتوانیم به دقـت از پس تبیین اقدامات، طراحی‌ها، سیاسـت‌ها و فعالیت‌هایی که صورت گرفته و نقش ایشـان در این زمینه به خوبی بربیاییم.

در سـطح ملی، ما حکومتی تازه‌تأسیس داشتیم که نیاز به شناسایی و حمایت جهانی داشت تا تثبیت شود، کارایی خود را نشان دهد و مشروعیت مردمی را که بر اثر انقلاب و رفراندوم به دست آورده بود به یک مقبولیت مردمی تبدیل کند. در سطح منطقه‌ای، پایه‌گذاری رژیم صهیونیسـتی و اقدامـات این رژیم و آواره‌کـردن فلسـطینی‌ها به کشـورهای عربی و به‌خصوص کشورهای حاشیه سرزمین‌های اشغالی ماننـد لبنـان، اردن و مصر، توازن اسـتراتژیک را به نفع این رژیم بر هـم زده بود و این تحقیری فراملی و منطقـه‌ای برای اعراب و به‌ویـژه مردم عرب بود؛ اگرچه فشـار مضاعفـی برای حکام هـم بود که از طرفی زیر فشار آمریکا برای پذیرش این رژیم بودند و از طرف دیگر زیر انتظارات روحی و روانی مردم خود برای نپذیرفتن این خواست و کمک به ملت فلسطین برای احقاق حقوقشان.

ولی حساسـیت لبنـان به دلیـل ویژگی‌های این کشـور، چندمذهبی‌بودنش و اقوام گوناگونی که در این کشور زندگی می‌کنند، بازبودن فضای سیاسی‌اش و پذیرشـی که در میان لبنانی‌هاسـت و کلا بازبودن جامعه و سیاست حکومت در لبنان به دلایل تاریخی در دوران اسـتعماری فرانسـه و تاریخچه تحولات سیاسـی و اجتماعی، شرایطی را در این کشور فراهم کرده بود که ما سـال‌های دراز در این جامعه شاهد ناامنی و بی‌ثباتی بودیم؛ مخصوصا از سال‌های ۵۴، یعنی دو، سه سال قبل از انقلاب، جنگی داخلی بین مسیحیان و فلسطینیان شکل گرفته بود و صحنه این کشور را برای سـال‌های متمادی ملتهب کرده بود. از طرفی قـدرت طوایف برابر نبود و شـرایط دوران پسااستعماری لبنان، شرایط خوبی نبود و چسبندگی این جامعه مقداری به‌هم خورده و لطمه دیده بود. با این وضعیت و حضور آوارگان فلسـطینی در لبنان و طبعا شـکل‌گیری گروه‌های مقاومت در این کشور از فلسطینی‌ها و طرفدارانشان، شکل‌گیری مقاومت ضداسرائیلی و فعالیت‌هایی که آنها انجام می‌دادند، وضعیتی به وجود آمد که سـال ۶۱ شمسی یا ۱۹۸۲ رژیم صهیونیسـتی حمله‌ای به لبنان کرد و تا بیروت پیشـروی کرد و اقدام به بیرون‌راندن فلسـطینی‌ها مخصوصا سـازمان آزادی‌بخش فلسطین یا ساف از لبنان کرد که نتیجه این اشغال، ضربه به روحیه ملی لبنانی‌هـا بود. لبنانی‌ها احسـاس حقارت کردند که نظامیان این رژیم سرشان را پایین می‌اندازند و خیلی راحت تا بیروت می‌توانند بیایند.

از جهت بین‌المللی، حاکمیت دوران جنگ سـرد بود بین آمریکا و شوروی و تلقی حکومت نوپا از این دوران و هنجارهـای بین‌المللی، تـلاش برای تغییر این هنجارها و تحقق شـعار نه شرقی نه غربی بود. به نوعی می‌شـود گفت به دلیل عدم آشنایی دقیق با سـازوکار توازن قدرت در روابط بین‌المللی، باعث گرفتارکـردن خودمان بین دو کفه جهانی شـدیم. با این وضعیت، جنگی علیه ما در سـال ۵۹ شـروع و به ما تحمیل شـد. اصولا «پهنه ژئوپلیتیکی ایران»، فارغ از نـوع حکومـت، از تنهایـی و غربت خاص خود رنـج می‌برد! از طرفی اعـراب و از طرف دیگر به دلیل ضعیف‌شـدن همسـایگان و حوزه تمدنی ایران در دوران استعماری انگلیسی، چشم‌بادامی‌ها قرار داشـتند! جمهـوری نوپای اسـلامی که درگیر این جنگ شـد، برای اینکه صـدام در تلاش خود در عربـی - عجمی‌کـردن جنـگ جهـت یارگیـری و اجماع‌سـازی علیـه ایران موفق نشـود، بـه دنبال اسـتقرار یک گفتمـان غالـب برآمد و تـلاش کرد صـدام را حداقل در دنیای عـرب و مخصوصا میان مردم عرب که به قول معروف «شـارع عربی» گفته می‌شود، تنها نگه دارد. خوشبختانه جواب هم داد. این استراتژی بسیار خوبی بود که با خروج ترامپ از برجام بار دیگر به کار گرفته شـد و جواب گرفتیم. در آن وانفسای تنهابودن ما و رزمندگان‌مان، لطمه‌دیدن سیسـتم نظامی کشـور و نوجوان‌بـودن و نوپابودن سیستم نظامی جدید بعد از انقلاب، این استراتژی در دنیای سیاسـت جواب داد و صدام نتوانست حداقل یارگیری علنی علیه ما کند یا اجماع منطقه‌ای علیه ما به وجـود بیاورد. البته غربی‌هـا کمک می‌کردند و به نوعی بلوک شـرق هم برای فروش تسـلیحات بـه صدام کمـک می‌کرد، ولی در همیـن حد که ما نگذاشتیم کشـورهای عربی علنا اقدام به حمایت از صدام بکنند، خـودش توفیقی بود. البته دولت‌های عربی نظیر عربسـتان و کویـت، هم از ترس صدام و هم نگرانی از سیاسـت‌های ایران، کمک‌های مادی و معنوی به رژیم بعث عراق داشـتند و نتیجه‌اش را هم دیدند. بنابراین ایران در پی ایجاد اهرم و افزایش قـدرت مانور خـود در این زمینه برآمـد و به دلایل ژئوپلیتیکـی و ژئواسـتراتژیکی در میـان گزینه‌های موجودمان کـه خیلی هـم متعدد نبـود، با توجه به سـابقه ارتباط انقلابیون با دولت سـوریه، نقش امام‌موسـی صدر در لبنان و ارتباطـش با انقلابیون و ارتباطات بیـن ایرانی‌ها و فلسـطینی‌ها در دوران مبارزه با رژیم شـاه و حمایتی که حافظ اسـد از این مبارزات کرد، بحث تقویت روابط با سوریه در دستور کار قـرار گرفت که به عقیده مـن چند نتیجه مثبت سازنده و استراتژیک داشت.

۱- از تلاش صـدام برای عربـی - عجمی‌کردن جنگ جلوگیری کرد؛ یعنی به دنیا نشـان داد بحث مـا دفع تجـاوز صدام اسـت، نه چیـزی که صدام می‌خواسـت بگوید که اعراب را در مقابل فارس‌ها یا در مقابل ایران نمایندگی می‌کند و همین زمینه‌ای شد که صدام تنها بماند.

۲- صدور نفت عراق از سـوریه را قطع کرد. این ضربه اقتصادی بزرگی در دوران جنگ به صدام بود.

۳- عمل‌گرایی سیاست خارجی ایران در همکاری با بعث سوریه و ایسـتادگی در مقابل بعث عراق را عیان کرد. به عقیده من، این برای سیاسـت خارجی ایران بسـیار مفید بود؛ زیرا خیلی‌هـا فکر می‌کردند ایران سیاست خارجی ایدئولوژیکی دارد.

۴- دسترسـی به لبنان تسـهیل شـد و این برای اهداف اسـتراتژیک ما و بهره‌بـرداری از فضایی که آن لطمه‌ای که گفتم به روحیه لبنانی‌ها وارد شـده بود، برای ما در تکمیل آن اسـتراتژی مهم بود. البته سلسـله اقداماتی از قبل از سـوی امام‌موسی صدر در تقویـت جایگاه شـیعیان در نظـام طائفی لبنان صورت گرفتـه بود که خب در جـای خودش مفید بود؛ ولی الان شـیعیان لبنان لازم داشتند با توجه به اینکه در دنیای سیاسـت، قدرت حرف اول را می‌زند، جایگاه‌شان را از داشـتن یک مؤسسه خیریه که مثلا کمک به ایتـام کند، به یک جایـگاه بالاتر اجتماعی ارتقـا دهنـد و از آن به بعد وارد حیطه سیاسـت و حکومت در لبنان بشوند که تا به حال خیلی بهره‌ای نداشتند.

با این تصویری که تلاش کردم از اوضاع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بسازم، آقای محتشمی‌پور با توجه به ارتباطات نزدیکش بـا رهبر فقید انقلاب و دفتر ایشان، برای چنین منظوری در سال ۱۳۶۰، برای کسوت سـفیری ایران در سوریه انتخاب شد. طبیعی بود که با حضور ایشـان در دمشق، سلسله اقداماتی بـرای سـازماندهی مبـارزات لبنانی و فلسـطینی در وزارت امـور خارجـه و نهادهای تصمیم‌سـاز و تصمیم‌گیر شـروع شـد و ایشـان تلاش کرد رابطه دولت سوری را با لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها ترمیم کند. لطماتـی بر اثر جنگ‌های داخلی به وجود آمده بود. لطماتی در جامعه لبنان بین مسیحی‌ها، مسلمان‌ها، فلسـطینی‌ها یا حتی دروزها کـه به‌نوعی در زمان کمـال جنبلاط از فلسـطینی‌ها حمایـت می‌کردند، ایجاد شـده بود. نقـاری در لبنان شـکل گرفته بود و گسـلی به وجود آمده بود که اینهـا نیاز به تلاش و ترمیم داشـت و به عقیده من با آن اسـتراتژی که اتخاذ شـده بود در ایران و تیمی که برای اجرای این اسـتراتژی در وزارت امور خارجه تشکیل شده بود و فعالیت می‌کردند، به‌نوعی می‌شـود گفت این تیم و آقای محتشمی‌پور به‌عنوان سفیر حلقه‌های مکمل هم شدند که بتوانند هم آن استراتژی را محقق کنند و هم لـوازم تحقق آن را فراهم کنند که یکی از آنها ایجاد انسجام در میان لبنانی‌ها و ترمیم آن لطمه‌ای بـود که به روحیه ملـی لبنانی‌ها بـر اثر جنگ‌های داخلی، اشـغال خارجی و... وارد شـده بود. ایشان نقشی بسیار اساسـی و سازنده در این ترمیم داشت. متأسـفانه، غربی‌ها چون اطلاعـات کاملی ندارند و خیلی آشنا به مسـائل ریز این منطقه نیستند و شاید هم از خیلـی از فعالیت‌هایی که در این زمینه شـد مطلع نیسـتند، جهت‌دهی‌های بیخودی می‌کنند و لغاتی را بـه کار می‌برند که صرفا بیانگر این اسـت که نتوانسـته‌اند به فهم درستی از فعالیت‌هایی که چه آقای محتشمی‌پور در اجرای آن استراتژی انجام داد و چه تلاشـی که برای ایجاد یـک آرامش ملی صورت گرفت، برسند؛ یعنی آنها بیشتر به جنبه‌های تأسیس حزب‌الله، فعالیت‌های نظامی حزب‌الله و... می‌پردازند، بدون اینکـه توجه کنند همین اقداماتی که آقای محتشـمی‌پور در راسـتای ایـن التیام ملی در لبنـان و تحکیم روابـط لبنان و سـوریه صورت داد، خودش نقطه مثبتی برای سـامان‌یافتن اوضاع داخلی لبنـان و حتی منطقه بود. درحالی‌که اگر این اقدامات صـورت نمی‌گرفت، چه‌بسـا آن لطمه به روحیه ملی خورده بود و آن عکس‌العملی که مردم لبنان داشتند، خیلی تخریبی‌تر بود.

بنابراین در چنین شرایطی انتخاب ایشان به‌عنوان سـفیر در سوریه در سـال ۶۰ یک انتخاب هدفمند و استراتژیک بود. اینکه ایشان عضو دفتر امام در نجف، در پاریس و بعد در قم بودند و بعد سـمت‌هایی که از سـوی رهبر فقید انقلاب به ایشان داده شده بود، نشـان می‌داد که دولت اول آقای مهندس موسوی قصد دارد از این ظرفیت در سیاست منطقه‌ای ایران بهره ببرد. در آن شـرایطی که در ابتدای انقلاب بود و هنوز حکومت و سیاسـت، دولت و جامعه ایرانی آن استقرار لازم را نداشت، به عقیده من این انتخاب یک حرکت اساسی و زیربنایی برای سیاست خارجی کشـور ما بود و ایشان را باید با سلسله فعالیت‌هایی که صـورت داد، در حقیقت پایه‌گذار یک روش نوین بـرای چگونگی دفع دخالت خارجی یا شـکل‌گیری دفاع مشروع تلقی کنیم.

اگر به مؤسسات مطالعاتی، رسانه‌ها و نوشته‌های غربی یا حتی رسـانه‌های خودمان نگاه کنید، صرفا ایشـان را به‌عنـوان پایه‌گذار حزب‌الله می‌شناسـند؛ درحالی‌که این نتیجه کار بود، نه فرایندی که ایشـان در کسوت سـفیری و به‌عنوان سفیر ایران در سوریه انجام داد. اگر ما بخواهیم شمایی از کاری که ایشان در آن دوران صورت داد، داشته باشیم، به عقیده من مدیریت صحنه لبنان، جلوگیـری از تضاد و برخورد منافع جناح‌های مختلف شیعه در لبنان و حتی یک قدم بالاتر حل مشـکلات آنها با اهل سنت و رعایت میراثی که امام‌موسـی صدر بر جای گذاشـته بود و حضور تدریجی یک نسل مبارز و مشروع را می‌توانیم نام ببریم که اینها نهایتا منجر به تأسـیس سـازمان حزب‌الله شـد. برای اینکه سازمان شکل بگیرد، یکی از اولین اقدامات ایشان که عرض کردم در راستای آن استراتژی چندوجهی و در همکاری بین صف و ستاد یعنی ایشـان با وجود اینکه ارتبـاط نزدیکی با دفتر رهبر فقید انقلاب داشـت، با وزارت امور خارجه هم ارتباط تنگاتنگی برقرار کرد. البته من کتمان نمی‌کنم که به هر صورت در دنیای ارتباطات، ارتباط شخصی و فردی بی‌نقش نیسـت و نقش اساسـی دارد. آن سابقه دوستی من با ایشان از سال ۵۷ بی‌تأثیر در این هماهنگـی بین وزارت امور خارجه و سـفارت نبود. البته عناصر دیگری که در آن زمان دخیل در سیاست منطقـه‌ای ایران یا سیاسـت خارجی ایـران بودند، ازجمله مرحوم شیخ‌الاسـلام یا سایر دوستان هم در این روند بی‌تأثیر نبودند.

بنابرایـن آن رونـدی که ایشـان شـروع کرد، در حقیقت شـکل‌دادن مجموعـه‌ای به نام شـورای لبنـان بود که از عناصر اصلـی و تصمیم‌گیر طوایف گوناگون مسلمان لبنان تشکیل شده بود، اعم از سنی و شیعه و کسـانی که در حقیقت تأثیرگذار بودند در میان مسـلمان‌ها. لبنان همه چیزش طائفی اسـت و طوایف نقشـی اساسی در این کشـور دارند و دور هم جمع‌کـردن آنها و به وحدت نظـر حتی هر دو طایفه با هم از اقدامات بسیار سخت است و مستلزم اعتمادسـازی بین آنها که آقای محتشمی‌پور از پس آن برآمد. البته در همان زمان هم تلاش می‌شـد که به دلیل آن درگیری‌های قبلی، سـعی بشود که سایر طوایف و مسیحیان هم به‌نوعی جذب بشوند؛ یعنی در حقیقت علاوه بر شـورای لبنان تلاش می‌شد به دروزها و مسیحیان نزدیک شوند؛ زیرا بعد از اتفاقات داخلـی دهه ۷۰ میـلادی در این کشـور و درگیری مسـیحیان با فلسـطینی‌ها در دوران جنگ داخلی که از ۵۴ تا ۶۸ بود، سـعی شد روان‌سازی روابط بین همه طوایف، حتی شامل مسـیحیان و فلسطینی‌ها در دستور کار باشد.

متأسـفانه محققـان غربی متوجه نیسـتند که می‌شـد لبنانی داشـت که عـروس خاورمیانه نام داشت و مرکز تبادلات مالی منطقه و بین‌المللی بود؛ اما به دلیل اشغال صهیونیستی و بر اثر لطمه‌خوردن غرور ملی، گسـل‌هایی در آن فعال و تنشـی ایجاد شـد و در این زمان تلاش شـد در جامعه این موارد التیام پیدا کند و آنها به جای درگیری‌های درونی به موضـوع اصلی ایجاد این درگیری‌ها که آن اشـغال خارجـی بود، برسـند که در حقیقـت فعالیت‌های آقای محتشـمی‌پور و استراتژی جمهوری اسلامی و هدف سیاسـت خارجی ایران این بـود که این التیام به وجود بیاید و نگذارد اوضاع از دسـت خارج شود یا به گونه‌ای باشـد که هرج‌ومرجی ایجاد شـود. در چنیـن اوضاعـی که روحیـه ملـی لبنانی‌ها لطمه خورده بود و برای بقا دسـت به هـر کاری می‌زدند تا دخالت خارجی اعم از غربی یا اسـرائیلی را از بین ببرند، کار آقای محتشـمی‌پور به‌عنوان سـفیر ایران در دمشـق و به‌عنوان یک دیپلمات، واقعا برجسـته بود که توانسـت از اقداماتی که می‌توانسـت حتی بـه چندپاره‌شـدن جامعـه لبنانی و تأثیـرات آن بر کشورهای منطقه بینجامد، جلوگیری کند.

بـرای مثال انفجـار محل تفنگـداران آمریکایی در بیـروت در اواخر اکتبـر ۱۹۸۳ حدودا مهر ۶۲ بود کـه یک نمـاد عصیان داخلـی بـود و در جریان آن ۲۴۱ نظامی آمریکایی، ۵۸ نظامی فرانسـوی و شش غیرنظامی کشته شـدند. لبنانی‌ها بر اثر آن وضعیتی که رژیم صهیونیسـتی برایشان به وجود آورده بود و بخشی از خاک و آب کشورشـان را اشغال و مصرف کرده و هر موقع اراده می‌کرد می‌توانسـت تا بیروت بیاید و اشغال کند، در چنین شرایطی طبیعی بود که اگر این روند می‌خواسـت ادامه پیدا کند، آن جامعه جامعه‌ای خشن و جامعه‌ای می‌شد که می‌توانست دسـت به هر اقدامی بزند. اگر اخبار آن سال‌ها دنبال شـود، هر روز یک اقدام برای نشان‌دادن این عصیان صـورت می‌گرفت؛ ولـی این فعالیت‌هـای التیامی ناشی از سیاسـت خارجی ایران برای هدفمندکردن مبـارزه و دوری از اقدامـات کور باعث شـد که این مبارزات هم در قالب یک سازمان منظم دربیاید که ما تبلورش را در تأسیس و فعالیت حزب‌الله می‌بینیم...

ادامه در صفحه ۵

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان قزوین

واگذاری فعالیت‌های پشتیبانی و خدماتی امور نقلیه (خودروهای استیجاری با راننده) (شماره تجدید مناقصه: ۳۰-۹۹)

کد فراخوان پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات: ۴۲/۸۲۱/۰۵۸
شماره مجوز: ۱۴۰۰۰۱۴۳۷
نوبت اول

شـرکت گاز اسـتان قزویـن درنظـر دارد مناقصه عمومی یـک مرحله‌ای پـروژه واگذاری فعالیت‌هـای پشـتیبانی و خدماتـی امـور نقلیـه (خودروهـای اسـتیجاری بـا راننده) (۲۰۰۰۰۹۱۳۳۵۰۰۰۰۱۹) را از طریـق سـامانه تـدارکات الکترونیکـی دولت برگـزار نماید. کلیـه مراحـل برگزاری مناقصه از دریافت اسـناد مناقصـه تا ارائه پیشـنهاد مناقصه‌گران و بازگشـایی پاکت‌هـا از طریـق درگاه سـامانه الکترونیکـی دولـت (سـتاد) بـه آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سـایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شـرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۱۸ می‌باشد .

- **مهلـت زمانی دریافت اسـناد مناقصه از سـایت:** تا پایـان وقت اداری روز شـنبه (ساعت: ۱۶:۰۰) مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۲
- **مهلت زمانی ارسال پیشنهادات:** تا ساعت ۱۹:۰۰روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱
- زمان بازگشـایی پاکات مناقصه (الف، ب و ج): سـاعت ۱۰:۰۰ روز چهارشـنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۲
- **شرایط مناقصه‌گران:**

۱- داشتن شخصیت حقوقی
۲- داشـتن گواهینامه صلاحیت از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رسته حمل و نقل یا آژانس‌های تاکسیرانی دارای مجوز معتبر از مراجع ذیصلاح.
۳- ارائه گواهینامه ایمنی کار از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۴- داشتن حداقل یک سابقه کار مشابه با مبلغ حداقل ۴۰درصد حجم برآوردی موضوع مناقصه (برآورد اولیه: ۴۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال) به همراه ارائه مسـتندات مربوطه (شامل کپی قراردادهـا به همراه آخرین فرم اجازه پرداخت‌های مربوطه یا لیسـت بیمه تامین اجتماعی، یا مفاصا حساب تامین اجتماعی)

- **تضمیـن شـرکت در فرآیند ارجاع کار:** طبق مصوبه شـماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه مور خ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران به مبلغ ۲/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال.
- **محل تامین اعتبار:** اعتبارات جاری و سرمایه‌ای شرکت گاز استان قزوین
- قیمت‌های پیشنهادی مناقصه‌گران می‌بایست متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
- به ایـن پیمان مطابق آیین نامـه تضمین معاملات دولتی، مصوبـه هیات وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲، پیش پرداخت معادل ۱۵٪ مبلغ اولیه پیمان تعلق خواهد گرفت.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
کداقتصادی شرکت گاز استان قزوین: ۴۱۱۱۱۷۱۸۸۷۷۹
شناسه ملی شرکت گاز استان قزوین: ۱۰۱۰۱۸۹۱۷۶۲
از شـرکت‌های واجـد صلاحیـت دعـوت می‌شـود بـه منظـور دریافـت اطلاعـات تکمیلـی بـه نشـانی www.nigc-qazvin.ir و یـا پایـگاه اطلاع‌رسـانی مناقصـات (http://iets.mporg.ir) مراجعه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

روابط عمومی شرکت گاز استان قزوین